

بررسی تطبیقی نزول قرآن در احرف سبعة بین مناع القطان و رضا مودب*

- محمدفاکر میبدی**
- علی احمد سعیدی***
- احمدعلی صالحی****

چکیده

درباره نزول قرآن در احرف سبعة بین شیعه و سنی نظرات مختلف مطرح شده است. حرف سبعة یعنی قرآن به هفت حرف نازل شده است. در معنی هفت حرف، بین شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد. بر مبنای مناع القطان، مراد از احادیث حرف سبعة لهجه است و بر مبنای دکتر مودب این چنین احادیثی در منابع شیعه وجود ندارد و روایاتی را که در کتاب‌های اهل سنت آورده شده مورد مناقشه قرار می‌دهد. با تحقیق و بررسی این دو نظریه روشن می‌شود که قرآن بر الفاظ واحد نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم همواره به تصحیح قراآت پرداخته اند، در نتیجه نزول الفاظ قرآن بر سبعة احرف، سخن نادرست و مجعول است.

کلیدواژه‌ها: تطبیقی، نزول قرآن بر هفت حرف، مناع القطان، رضا مودب.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۵/۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۰/۳۰.

** استاد و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه، گروه قرآن و حدیث (M_faker@MIU.Ac.ir).

*** دکتری علوم قرآن جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه (نویسنده مسئول) (Saeedialahmed003@mail.com).

**** دکتری علوم قرآن جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه.

مقدمه

در این مقاله، مبنای خیلیل منع در کتاب (نزول قرآن علی احرف السبعه) و مبنای دکتر رضا مودب در کتاب (نزول قرآن و رؤیای هفت حرف) را مورد مقایسه و بررسی قرار داده ایم. منع القطان در کتاب خود روایاتی را که حدیث هفت حرف در آن ذکر شده است از کتابهای مختلف نقل نموده، پس از آن دیدگاه‌های علما را نقد و بررسی و یکی از آرائی را که مراد از هفت حرف، هفت لغت می‌باشد انتخاب نموده و برای تأیید نظریه خود روایات متعددی را ذکر کرده است.

دکتر رضا مودب با توجه به بررسی کتاب‌های اهل سنت و امامیه و بر اساس روایتی که از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرموده‌اند؛ قرآن بر یک حرف نازل شده است، نتیجه می‌گیرند که حدیث سبعة احرف باطل و بی‌اساس بوده و قرآن دارای یک واقعیت بیشتر نمی‌باشد.

پیشینه موضوع

در مورد پیشینه موضوع باید اشاره نمایم که تاکنون محققین بسیاری به‌ویژه از اهل سنت در خلال مباحث قرآنی، به تبیین احرف سبعه پرداخته‌اند. برخی به راه صواب و برخی به طریق خطا رفته‌اند. ظاهراً تنها منع بن خلیل القطان، کتاب مستقلی تحت عنوان نزول القرآن علی أحرف السبعة تدوین نموده است. در جمع دانشمندان شیعه، ظاهراً کتاب مستقلی جامع‌تر از این اثر گرانقدر (نزول قرآن و رؤیای هفت حرف) تدوین نشده است.

معنای حرف بر مبنای منع القطان

۱. حرف حقیقاً بر یکی از حروف تهجی اطلاق و بر کلمه مجازاً اطلاق می‌گردد، از باب اطلاق جز بر کل چون کلمه مرکب از حروف است.
۲. حرف یا بر لغت اطلاق شده، چون الفاظ لغات از حروف ساخته شده و یا بر وجهی از

وجوه لغت اطلاق شده است، به جهت اختلاف در روش و طریقه نطق و کیفیت نطق. پس رأی مناع خلیل در اختلاف لهجه همان رأی اول و رأی مشهور است.

معنای حرف بر مبنای دکتر مودب

مقصود از حرف در روایت فضیل بن یسار، لغت و الفاظ قرآن است. زیرا سؤال از نزول‌های هفت‌گانه در مورد الفاظ قرآن است؛ آن چنان که اعتقاد اهل سنت بر مبنای روایت عمر، در اختلاف او با هشام بن حکم، می‌باشد. واژه حرف در دیگر روایات نیز در معنای، «لفظ» به کار رفته است (مودب، ۱۴۱۱: ۱۶۵).

معنای تطبیقی

تطبیق در عربی از ماده «ط - ب - ق» به معنای اجرا، عملی کردن و منطبق ساختن است، بر این اساس تطبیقی یعنی کاربردی، عملی و اجرایی و تطبیق القانون یعنی عملی کردن قانون (آذرنوش، ۱۳۸۳: واژه «طبق») عملی برای مقایسه دو یا چند چیز باهدف کشف چیزی در باره‌ی یک یا همه چیزهایی است که باهم مقایسه می‌شود.

حدیث احرف سبعة در منابع اهل سنت

مناع خلیل و علمای اهل سنت مدعی تواتر روایت احرف سبعة هستند. سیوطی می‌گوید: این حدیث از طریق ۲۱ صحابی به نام‌های ذیل نقل شده و ابوعبیده به تواتر آن تصریح نموده است. نام آن صحابی عبارتند از: ابن عباس، ابی بن کعب، انس، حذیفه بن یمان، زید بن ارقم، سمرة بن جندب، سلمان بن صدرد، ابن مسعود، عبدالرحمن بن عوف، عثمان بن عفان، عمر بن خطاب، عمر بن ابی سلمه، عمرو بن عاص، معاذ بن جبل، هشام بن حکیم، ابوبکره، ابوجهم، ابوسعید خدری، ابوطلحه انصاری، ابوهریره، ابویوب (سیوطی، بی تا: ۷۸/۱).

نزد علمای اهل سنت، کلماتی با تعبیر سبعة احرف از پیامبر ﷺ روایت شده است که

گرچه در ساختار الفاظ با یکدیگر متفاوتند، اما از جهت محتوا ظاهراً متحد و متفقند که قرآن دارای هفت حرف است. علمای اهل سنت مدّعی تواتر حدیث یاد شده در جوامع حدیثی خود شده‌اند. زیرا معتقدند که ۲۱ صحابی از پیامبر ﷺ روایت نموده‌اند که قرآن بر هفت حرف نازل شده است. روایاتی که در مورد سبعة احرف از جوامع حدیثی اهل سنت نقل شده است، در نخستین نظر، به دو دسته قابل تقسیم است:

الف) برخی سخن پیامبر ﷺ را نقل می‌کنند که آنها، روایات نبوی نامیده می‌شود. عمده احادیث در مورد نزول قرآن بر سبعة احرف را این‌گونه روایات تشکیل می‌دهند.
ب) برخی سخن صحابی را نقل می‌کنند که در اصطلاح (اثر) نامیده می‌شوند.
آمار دسته اول، یعنی روایات نبوی بدین قرار است:

۱. صحیح بخاری شش مورد. ۲. صحیح مسلم چهار مورد. ۳. سنن ترمذی دو مورد.
۴. سنن نسائی شش مورد. ۵. سنن ابی داود سه مورد. ۶. مسند احمد ۳۵ مورد. ۷. موطاً یک مورد.

مهم‌ترین و گویاترین روایات نبوی در مورد سبعة احرف با تعبیر قرائت بر هفت حرف به شرح زیر است:

احادیث مربوط به نزول قرآن بر هفت حرف

احادیث (احرف سبعة) در منابع اهل سنت، به تکرار و تنوع، روایت شده است. مؤلف هفت طائفه ذکر کرده ما در این نوشته کوتاه چهار طائفه را بیان می‌کنیم:

۱. بر پایه حدیثی، عمر بن خطاب با هشام بن حکیم در چگونگی قرائت آیه‌ای از سوره فرقان اختلاف کردند. برای داوری به نزد پیامبر اکرم ﷺ رفتند و آن حضرت قرائت هر دو را با وجود اختلاف تأیید کرد و فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَي سَبْعَةِ أَحْرَفٍ» (ابن حنبل: بی‌تا: ۱/ ۲۴).
۲. ابی بن کعب نیز روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است که بر اساس آن جبرئیل به نزد پیامبر آمد و پیامبر را از سوی خدا مأمور قرائت قرآن بر یک حرف (قرانت) کرد. پیامبر ﷺ قرائت قرآن بر اساس یک حرف را فراتر از توان آمتش دانست و از خداوند عفو و مغفرت را خواست.

نزول جبرئیل برای بار دوم و سوم اتفاق افتاد و جواز قرائت بر دو حرف و سه حرف را به پیامبر اعلام کرد و پیامبر نیز تقاضای خود را تکرار کرد تا این که جبرئیل برای بار چهارم فرود آمد و عرض کرد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ أُمَّتَكَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ فَأَيُّمَا حَرْفٍ قَرَأُوا عَلَيْهِ فَقَدْ أَصَابُوا» (مسلم، ۱۳۷۴: ۲/۲۰۳-۲۰۴).

۳: «لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ جَبْرَائِيلَ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ! إِنِّي بُعِثْتُ إِلَى أُمَّةٍ أَمِينٍ مِنْهُمْ الْعَجُوزُ وَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْغُلَامُ وَ الْجَارِيَةُ وَ الرَّجُلُ الَّذِي لَمْ يقرأ كِتَابًا قطُّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ» (ترمذی، ۱۳۹۵: ۴); پیامبر ﷺ جبرئیل را دید و فرمود: ای جبرئیل! من بر امتی برانگیخته شدم که اُمی و فاقد سوادند. در میان آنان از پیرزن و پیرمرد گرفته تا زن و مرد جوان و کسی که هرگز کتابی نخوانده است، هست. جبرئیل گفت: ای محمد! قرآن به هفت حرف نازل شده است.

۴. در مسند حافظ ابو یعلی، آمده است (ابویعلو، بی تا: ۵۳۵۴). عثمان روزی بر فراز منبر شنوندگان خود را سوگند داد که هر یک از شما از پیامبر ﷺ این حدیث را شنیده که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ كُلِّهَا شَافٍ كَافٍ» برخیزد و بایستد عده بی شماری برخاستند و ایستادند و شهادت دادند که این حدیث را از پیامبر ﷺ اکرم شنیده اند. آنگاه عثمان خود هم شهادت به صدور روایت از پیامبر ﷺ داد (سیوطی، بی تا: ۷۸/۱).

آرای علمای اهل سنت در مراد احرف سبعة

برخی از علمای اهل سنت در این باره ۳۵ قول ذکر کرده، جلال الدین سیوطی در الانتقان ۴۰ قول ذکر کرده است، مناع القطان در کتاب خود شش رأی ذکر کرده است.

اول: اختلاف لهجه

هفت لغات عرب در یک معنی است، یعنی هفت جنبه از معانی هستند که با کلمات مختلف موافق هستند، آنچه که شناخته است به اشتراک معنوی یا مترادف مثل: أقبیل، هلم، و تعال و عجل. ابن عبدالبر این رأی را به اکثر علماء نسبت داده است.

دوم: هفت لغات عرب

مراد از أحرف سبعة هفت لغات عرب است که قرآن بر آنها نازل شده است، به این معنی که جمله‌ای قرآن از این هفت لغات که فصیح‌ترین لغات هستند جدا نیست، اکثر آن از لغت قریش است، بعضی لغت هذیل، یا ثقیف، یا هوزان، یا کنانه، یا تمیم، یا الیمن است. فرق این رأی با رأی اول این است که أحرف سبعة، هفت حرف هستند که در سوره‌های قرآن پراکنده شده‌اند، نه اینکه در یک کلمه با توافق معانی متفاوت باشند. قایل این قول: أبو عبیده و ثعلب و الزهری هستند (ابن خلکان، بی تا: ۴/ ۶۰).

اشکال: معنی أحرف سبعة سبع لغات نیست؛ چون اگر همین معنی بود در ابتدا قوم عرب یکدیگر را انکار نمی‌کردند، مثلاً عمر بن خطاب و هشام بن حکیم، هر دو از قریش بودند، ولی در قرائت قرآن اختلاف می‌کردند، محال بود که عمر به لغت هشام اعتراض کرد، و این نشان می‌دهد که مراد از أحرف سبعة غیر از لغات است و آن لهجه است.

سوم: انواع سبعة

در تعیین انواع اختلاف دارند: بعض: أمر، نهی، حلال، حرام، محکم، متشابه و أمثال. **اشکال:** ستون این نظر حدیثی است که سلمه بن ابی سلمه بن عبدالرحمن از پدر خود واو از ابن مسعود، واو از نبی اکرم ﷺ نقل کرده است. و در باره این حدیث أبو عمر بن عبدالبر می‌گوید: اولاً: نزد اهل علم ثابت نیست. ثانیاً: أبو سلمه اصلاً ابن مسعود را ندیده. ثالثاً: ابن سلمه قابل استناد نیست.

چهارم: وجوه سبعة

مراد از وجوه سبعة اختلاف در اسماء، اختلاف در نقیصه و زیاده، اختلاف در تصریف، اختلاف در تقدیم و تاخیر، اختلاف در ابدال، اختلاف در وجه اعراب اختلاف در لهجه (مناع، ۱۴۱۱: ۶۱ و ۶۳).

۱. اختلاف اسما «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۳۷). خوانده شده «لأمانتهم».

۲. اختلاف زیاده و نقیصه «وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (توبه: ۱۰۰) خوانده شده «من تحتها».

اشکال: این رأی در مقابل رأی اول ضعیف است، و بعضی وجوه مذکور قراءات آحاد ذکر شده، متواتر بودن کل قرآن خلافی نیست، و اکثر وجوه اختلاف به شکل کلمه و کیفیت ادای کلمه است که در آن تغایر لفظ واقع نشده، مثل اختلاف اعراب، تشریف، تفخیم، ترقیق، أماله و اظهار و غیره.

پنجم: أحرف سبعة دلالت بر کثرت دارد

مراد از کثرت این است دلالت بر عدد هفت که بین شش و هشت وجود دارد نمی‌کند، بلکه بر کثرت دلالت می‌کند.

اشکال: و متن حدیث أحرف سبعة حقیقت عدد و محدودیت را نشان می‌دهد. و در حدیث آمده: «أقرأنی جبریل علی حرف فلم أزل استزیده حتی أُنْتَهی إلی سبعة أحرف» (بخاری، بی تا: ۲۹۸) عیدالله و ابن عباس: پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل بر من بر یک حرف اقرا نمود. همواره من خواستار افزایش شدم تا به هفت حرف منتهی شد.

ششم: مراد از أحرف سبعة قراءات سبع است

اشکال: قرآن و قرائت دو حقیقت مختلف‌اند. قرآن وحی منزل و متواتر بر پیامبر ﷺ است، و قرائت اختلاف الفاظ در وحی مذکور در کتابت حروف یا کیفیت آن از لحاظ تخفیف و تثقیل و غیره است، لذا نمی‌توان مراد از أحرف سبعة قراءات سبع باشد (مناع، همان: ۳۲ - ۹۶).

بررسی ادعای تواتر روایات سبعة احرف

برای بررسی ادعای تواتر روایت مذکور، نخست اقسام روایت متواتر، بیان می‌شود:

الف) تواتر لفظی: تمام راویان، حدیثی را در تمامی طبقات، با الفاظ واحدی به طور متواتر نقل نمایند.

ب) تواتر معنوی: تمام راویان، محتوا و معنای واحدی را با الفاظ متفاوت نقل نمایند. روایت نبوی سبعة احرف «تواتر لفظی ندارد. زیرا همان طور که گذشت، برخی با تعبیر نزول بر هفت حرف» و تعدادی با تعبیر اجازه قرائت بر هفت حرف است و هر کدام نیز با تعبیر متفاوت می‌باشند.

اما تواتر معنوی و اجمالی نیز در مورد روایت نزول قرآن بر احرف سبعة، قابل اثبات نیست؛ چه در طبقه صحابه و چه در طبقات بعدی. نخستین مدعی تواتر ابو عبید قاسم بن سلام است که دیگران در پی او و به نقل از او، چنین ادعایی را ذکر کرده‌اند.

ابن جزری: ابو عبید قاسم بن سلام، پیشوای بزرگ می‌گوید: این حدیث (احرف سبعة) از پیامبر ﷺ متواتر نقل شده است. من هم می‌گویم که طرق این حدیث را در رساله مجزایی که جمع کرده مورد بررسی قرار دادم و آن را از افراد ذیل (صحابی پیامبر ﷺ) روایت نمودم: عمر بن خطاب، هشام بن حکیم بن حزام، عبدالرحمن بن عوف و ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، معاذ بن جبل، ابی هریره و عبدالله بن عباس، ابی سعید خدری، حذیفه بن یمان، ابی بکر، عمرو بن عاص، زید بن أرقم، انس بن مالک، سمرة بن جندب، عمر بن ابی سلمة، ابی جهم، ابی طلحة انصاری و أم ایوب انصاری (ابن جزری، بی تا: ۲۱/۱).

شهاب الدین عبدالرحمن نیز پس از ذکر روایات احرف سبعة می‌گوید: ابو عبید گفته است: این احادیث متواترند، مگر حدیثی که سمرة بن جندب از پیامبر ﷺ روایت کرده است، که حضرت فرموده‌اند: قرآن بر سه حرف نازل شده است (ابوشامه، ۱۳۹۵: ۸۷ - ۸۸).

آنچه در کتب اهل سنت بر آن ادعا شده، تواتر روایت سبعة احرف است؛ لکن با مطالعه و بررسی متن و محتوای روایات سبعة احرف، می‌توان در تواتر آنها تردید نمود. زیرا تواتر لفظی آن، که اثباتش ممکن نیست و تواتر معنوی هم بر نزول قرآن، قابل قبول نیست. زیرا تواتر قرائت نیز ثابت نشده و سلسله سند راویان در رتبه خود قرآن را به خبر واحد تبدیل

نموده است. از سویی برای توجیه تواتر قرآّت، بر سبعة احرف تمسک شده است. پس چگونه ممکن است که کسی برای تواتر سبعة احرف به تواتر قرآّت، استناد نماید؟

زرقانی می‌گوید: این مقدار از روایات که سبب مصونیت از توافق برکذب است، موجب شده ابو عبید بن سلام، قائل به تواتر آن حدیث (سبعة احرف) شود لکن باید توجه داشت که شرط فراوانی نقل کنندگان در سلسله سند باید در تمامی طبقات راویان وجود داشته باشد. چنین شرطی اگر در طبقه صحابه باشد، لیکن در طبقات بعدی، نیست (زرقانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۳۹).

از سخن زرقانی روشن می‌شود که همه علمای اهل سنت اعتقاد به تواتر حدیث سبعة احرف ندارند؛ زیرا وی تواتر تمام طبقات راویان حدیث سبعة احرف پس از صحابه را قبول ندارد. لذا تواتر معنوی روایت نزول قرآن بر هفت حرف نیز به دلایل ذیل قابل اثبات نیست: عدم اثبات تواتر در تمامی طبقات راویان در تمامی طبقات روایت سبعة احرف، به حدی نیستند که امکان توافق آنها بر کذب محال باشد. لذا زرقانی، تواتر در طبقه بعد از صحابه را نپذیرفت (زرقانی، همان: ۱/۱۳۹) حتی در طبقه صحابه هم تواتر قابل اثبات نیست.

اختلاف در مضامین روایات احرف سبعة، تا حدی است که دانشمندان اهل سنت در معنای روایت دچار ابهام و تفاوت آرای فراوانی شده‌اند؛ تا آنجا که ابن حبان بُستی 35 قول در معنای روایت ذکر کرده است و همه آنها را مستند به روایات سبعة احرف می‌داند. بخشی از اختلاف اقوال در معنای روایات سبعة احرف به خاطر اختلاف تفاوت مضامین آنها در سبعة احرف است و آلا اگر روایت سبعة احرف از متن و معنای واحدی بر خوردار بود و به شکل متواتر نقل شده بود، این همه اختلاف آرا در معنای آن حاصل نمی‌شد! این حدیث از پیامبر ﷺ نیست و از زمان خلیفه دوم رواج پیدا کرده است و آن را از متفردات خلیفه دوم دانسته و علل پیدایش این حدیث در آن زمان را نیز بیان نموده است.

با بررسی در منابع حدیث سبعة احرف در کتاب‌های اهل سنت، نتیجه می‌گیرند که این روایت در حد تواتر نمی‌باشد. دکتر مودب در بخشی دیگر از کتاب دیدگاه امامیه را در خصوص مساله سبعة احرف ذکر و بر اساس روایتی که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام

نقل می‌کند که فرموده‌اند قرآن بر یک حرف نازل شده است نتیجه می‌گیرند که حدیث سبعة احرف باطل و بی‌اساس بوده و لذا قرآن دارای یک واقعیت بیشتر نمی‌باشد. علاوه بر این روایت از جهت محتوایی دارای تناقض می‌باشند که متن برخی از آنها درباره بطن قرآن و برخی دیگر درباره لهجه‌ها می‌باشد و لذا مشخص نیست که این حدیث آیا مربوط به لفظ است یا معنی؟ (مودب، همان: ۲۷ تا ۲۹).

مراد از احرف سبعة نزد مناع القطن اختلاف در لهجه است او برای مدعی خودش استدلال می‌کند:

۱. «قرأ رجل عند عمر بن الخطاب. فغير عليه فقال: لقد قرأت على رسول الله ﷺ فلم يغير على قال: فاخصما عند النبي ﷺ فقال: يا رسول الله ﷺ: ألم تقرني آية كذا و كذا قال: بلى قال: فوقع في صدر عمر شي فعرّف النبي ذلك ... ثم قال: إن القرآن كلّ صواب ما لم تجعل رحمة عذاباً أو عذاباً رحمة» (طبری، ۱۴۰۸: ۱/۲۶).

تقریب استدلال: خصومت در قرئت، ورجوع به پیامبر، و تردد در سینه عمر، غیر از اختلاف لهجه نمی‌باشد.

۲. أن أبا جهيم الأنصاري أخبره: أن رجلين اختلفا في آية من القرآن، فقال: هذا تلقيتها من رسول الله ﷺ و قال الآخر: تلقيتها من رسول الله ﷺ. فسألا رسول الله ﷺ عنها، فقال رسولُ الله ﷺ: «إن القرآن أنزلَ على سبعةِ أحرفٍ فلا تُمازُوا في القرآنِ، فإنَّ المراءَ فيه كفرٌ» (هشمی، ۱۴۰۸: ۷/۱۵۱). دو نفر در آیه‌ای از آیات قرآن، اختلاف نمودند و هر کدام می‌گفت من از پیامبر چنین دریافت نموده‌ام. هر دو نزد پیامبر ﷺ رفتند و از حضرت در مورد اختلافی که داشتند، سؤال نمودند. پیامبر ﷺ فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. لذا در مورد قرآن با یکدیگر جدال ننمایید؛ زیرا جدال در قرآن کفر است.

تقریب استدلال: مراء در قرآن به کفر می‌رساند و این غیر از اختلاف در تصریف، اعراب، افراد، تذکیر، و کیفیت نطق نیست.

۳. انس این آیه را چنین خوانده: «إنَّ ناشئةَ الليلِ هي أشدُّ وطأً وأصوبُ قِيلاً». به او گفتند:

بررسی تطبیقی نزول قرآن در احرف سبعة بین مناع القطان و رضا مودب □ ۱۰۱

ای ابو حمزه! آیت (أقوم) چنین است: (أقوم و أصوب و أهدی) یکی است (همان: ۱۵۶).
تقریب استدلال: حدیث اگرچه مرسل است، ولی در متن حدیث الفاظ مختلف دلالت بر معنای واحد آمده، مدعا ما همین است.

نزول قرآن و رؤیای هفت حرف

دکتر رضا مودب در فصل اول این کتاب مساله نزول قرآن و جمع آوری آن را بحث نموده. و می گوید در تاریخ تدوین سخنی از حدیث سبعة احرف نیست در حالی که اگر قرآن بر سبعة احرف نازل شده، چرا در این مصاحف خبری از آن نیست. چنان که روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام بر این معنا دلالت دارد. و همچنین اخبار متضافه ثقلین دلالت دارد که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شده بوده است (خوبی، ۱۴۰۱: ۲۵۲).

البته بررسی در روایات جمع قرآن از طریق اهل سنت روشن می نماید که چنین روایاتی، دچار تناقض است. اما آنچه قطعی می نماید این است که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کتابت شده و تعبیر کتاب در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که می فرماید: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي (ترمذی، بی تا: ۲۰۰/۱۲). از جمله گواهان بر آن است و هم چنان ضرورت عقلی هم اقتضا می کند.

جمع آوری تمامی آیات و سوره قرآن در مصحف واحد جمع اوری شده بودند. برای این مطلب ادله زیادی وجود دارد از یک نمونه اکتفا می شود. سیوطی می گوید: از طریق ابن سیرین نقل شده که گفت: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رحلت نمود، علی رضی الله عنه فرمود: سوگند یاد کردم که ردا بر نگیرم مگر برای نماز جمعه تا آنگاه که قرآن را جمع آوری نمایم و در نتیجه موفق به جمع قرآن شدم (سیوطی، بی تا: ۲۰۴/۱).

روایات نافی سبعة احرف

روایاتی مبتنی بر نزول قرآن بر سه حرف، چهار حرف، پنج حرف و حتی ده حرف، وجود دارد که با روایت سبعة احرف و نزول قرآن بر هفت حرف، متضاد و معنای آن را نفی می کند؛ در

نتیجه تواتر روایت سبعة احرف را مخدوش می‌سازد. زیرا در صورت تواتر (سبعة احرف) و قطعیت صدور آن از پیامبر ﷺ امکان ندارد که حضرت رسول اکرم ﷺ در سخنی دیگر، نزول قرآن را بر سه حرف یا چهار حرف و ... بیان نماید. روایات مذکور چنین است:

سمره بن جندب می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: قرآن بر سه حرف نازل شده است؛ در آن اختلاف ننمایید. قرآن تمامش (سه حرف) مبارک است. آن را آن‌گونه بخوانید که بر شما قرائت شده است (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۲/۵۳؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۷/۱۵۲). حدیث مذکور از اعتبار خاصی نزد اهل سنت برخوردار است. حاکم می‌گوید: این حدیث صحیح است و بخاری به روایت حسن از سمره استناد نموده و مسلم به احادیث حماد بن سلمه اعتماد کرده است (حاکم، بی‌تا: ۲/۲۳۳؛ ابن حنبل: بی‌تا: ۵/۲۲).

غیر از روایات مذکور که در مورد نزول قرآن بر یک حرف و سه حرف و چهار حرف و پنج حرف و ده حرف بود، از صحابه هم در تفسیر طبری موارد دیگری نیز ذکر شده است. پیامبر ﷺ فرمود: قرآن را بر پنج حرف قرائت می‌نمود (همان: ۵۲). عبدالله بن مسعود: پیامبر ﷺ فرمود: قرآن بر پنج حرف نازل شده است: حلال، حرام، محکم، متشابه و امثال (تفسیر ۱۴۰۸: ۵۳).

عدم اثبات تواتر در تمامی طبقات

راویان در تمامی طبقات روایت سبعة احرف، به حدی نیستند که امکان توافق آنها بر کذب محال باشد. لذا زرقانی، تواتر در طبقه بعد از صحابه را نپذیرفت (زرقانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۳۹). حتی در طبقه صحابه هم تواتر قابل اثبات نیست، چنان که دکتر عتر به آن اشاره داشت (مناع، ۱۴۱۱: ۱۰۹).

اختلاف در مضامین روایت مذکور

روایت مذکور حتی در طبقه صحابه که نخستین طبقه هستند، با تعابیر و مضامین متفاوت ذکر شده. به عنوان مثال: برخی روایات می‌گویند: نزول قرآن بر هفت حرف است، مانند اِنَّ الْقُرْآنَ اُنزِلَ عَلٰی سَبْعَةِ اَحْرَفٍ و تعبیر برخی روایات امر پیامبر ﷺ به قرائت قرآن بر هفت

حرف است، مانند و ليقرؤا القرآن على سبعة أحرف» و در برخی، زیادی بر حرف واحد، به تدریج بوده؛ مانند: أقرأني جبريلُ على حرفٍ فراجعته فلم أزل أستزيدُه فيزيدني حتى انتهى إلى سبعة احرف» (بخاری، بی تا: ۲۹۸۰، بدء الخلق). و در برخی، زیادی بر حرف واحد در یک دفعه بوده است، مانند: پیامبر ﷺ جبرئیل را نزد احجار مرء ملاقات کرد و فرمود: من مبعوث بر امتی امی شده‌ام که در میان آنها، غلام، خادم، افراد مسن، کم حوصله ناتوان هست. سپس جبرئیل بیان داشت که قرآن را بر هفت حرف بخوانید (طبری، ۱۴۰۸: ۱/۳۹).

خبر واحد بودن سبعة احرف نزد شیعه

روایت سبعة احرف در منابع حدیثی شیعه به ندرت نقل شده و آن هم در رتبه خبر واحد که دارای ضعف سندی و دلالتی است. اگر این روایت متواتر می‌بود، چگونه است که در منابع حدیثی شیعه از تواتر و کثرت ناقلان آن خبری نیست؟ قابل ذکر است که روایت سبعة احرف در کتب اربعه شیعه، اصلاً موجود نیست؛ تنها در برخی از کتب حدیثی شیعه، آن هم در ساختار و قالب یک خبر واحد ضعیف آمده است.

اگر روایت سبعة احرف، روایت متواتری است، چرا صحابی بزرگوار پیامبر، مانند حضرت علی علیه السلام آن را از پیامبر ﷺ روایت ننموده است. حضرت علی که بیشترین روایات مربوط به قرآن را حتی در کتب اهل سنت از پیامبر ﷺ روایت نموده است، چرا نام او در سند روایت سبعة احرف، کنار دیگر صحابه نیست؟ چگونه دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نزول قرآن بر هفت حرف را از پیامبر ﷺ روایت نکرده‌اند؟ چگونه حتی ابابکر از پیامبر ﷺ چنین سخنی را نقل ننموده است؟

علمای شیعه معتقدند روایت سبعة احرف، نه تنها متواتر نیست، بلکه در رتبه استفاضه هم قرار ندارد و در نزد برخی، خبر واحد شمرده شده و در نزد برخی از دانشمندان شیعه، در اصل صدور آن از پیامبر ﷺ تردیده شده است (طبری، ۱۴۰۸: ۱/۴۵).

بنابراین روایت سبعة احرف متواتر نیست و توهم تواتر این روایت در نزد اهل سنت، آنان را از بررسی سندی آن باز داشته است.

بررسی سند حدیث سبعة احرف

پیامبر ﷺ فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. تردید در آن کفر است، سه مرتبه [این گفته را تکرار کرد]. هر آنچه را از آن درک کردید بر آن عمل نمایید و هر آنچه را که نسبت به آن جاهل بودید، از دانای آن پیرسید (طبری، ۱۴۰۸: ۱/۳۵).

روایت مذکور که یکی از مهم‌ترین روایات در باب نزول قرآن بر هفت حرف است، سلسله سند آن در نهایت به ابی هریره منتهی می‌شود که از او با همین معنا و محتوا روایات دیگری نیز نقل شده است، ابوهریره کسی است که یک‌سال و نه ماه مصاحب پیامبر ﷺ بوده است. گرچه کمترین زمان مصاحبت را با پیامبر ﷺ دارد (همان: ۸). لیکن بیشترین حدیث را نقل نموده است. وی ۵۳۷۴ حدیث را از پیامبر ﷺ نقل می‌نماید! کثرت احادیث وی موجب شد که خلیفه دوم، او را دو بار تازیانه بزند و او را به تبعید تهدید بنماید. او در احادیث تدلیس می‌نموده است و متهم به کذب است (ابوریة، بی‌تا: ۱۹۴ - ۲۰۲). ابوهریره مشهور به دروغگویی بوده و نزد برخی از علمای اهل سنت متهم به کذب شده است. محمود ابوریة او را تحت عنوان: *أولُ راویة اتهم فی الإسلام؛ نخستین راوی که متهم به کذب شده است*، آورده است. ابن مسعود در مورد او به تندی سخن گفت و سپس گفت: ای مردم، از مردگان خود نجس نمی‌شوید (همان: ۲۰۴).

بررسی عدد سبعة

از جمله ابهامات در روایت نزول قرآن بر هفت حرف، معنای عدد سبعة است. آیا منظور همان عدد واقعی بین ۶ و ۸ است؟ یا مقصود از آن بیان کثرت است؟ دانشمندان اهل سنت در این مجال هم دچار اختلاف آرا شده‌اند. برخی مراد از سبعة را بیان کثرت دانسته‌اند زیرا هدف از افزایش حروف را، تسهیل و تیسیر می‌دانند. لذا معتقدند اختصاصی به عدد هفت ندارد و عدد سبعة در لغت مصداق بیان کثرت در آحاد است؛ چنان که عدد هفتاد در ده‌ها و هفت‌صد در صد‌ها، بیان کثرت می‌باشد. سیوطی پس از نقل روایت سبعة احرف بیان می‌دارد که در معنای روایت در حدود چهل قول اختلاف شده است و قول دوم را چنین می‌گوید: مراد از سبعة حقیقتاً

عدد (یعنی بین ۶ و ۸) نیست؛ بلکه هدف تیسیر و تسهیل و توسعه است و لفظ هفت برای اراده کثرت در بین آحاد است (سیوطی، بی تا: ۱۶۴/۱). بر این رأی قاضی عیاض و محمد جمال‌الدین قاسمی و مصطفی صادق رافعی، نیز متمایل شده‌اند. علامه قاسمی در تفسیر خود، محاسن التأویل می‌گوید: أظهر آن است که از عدد سبعة اراده کثرت شده و عدد معینی مقصود نیست (قاسمی، بی تا). اما مناع خلیل مراد از سبعة را عدد واقعی بین ۶ و ۸ می‌داند (مناع، ۱۴۱: ۸۸).

بررسی ناتوانی امت در قرائت بر یک حرف

از جمله حکمت‌های نزول قرآن بر هفت حرف، نزد برخی از دانشمندان اهل سنت، عجز امت پیامبر ﷺ در قرائت بر یک حرف می‌باشد.

پیامبر ﷺ جبرئیل را ملاقات نمود. فرمود: من بر امتی مبعوث شده‌ام که در بین آنها نوجوان و خادم و پیرمرد و پیرزن هست. از آن پس جبرئیل گفت: پس قرآن را بر هفت حرف بخوانید (طبری، ۱۴۰۸: ۳۹/۱). همین معنا با تعبیر (إن أمتی لا تستطيع) (همان: ۳۱) (وإن أمتی لا تطیق ذلک) (همان: ۴۰) و تعابیر مشابه در روایات آمده است که حکایت از آن دارد که پیامبر به عجز امت خویش معترف است.

آیت‌الله خوئی می‌گوید: روایات (سبعة احرف) متضمن این است که پیامبر ﷺ فرموده است که امت من طاقت قرائت بر حرف واحد را ندارد. در حالی که این دروغ آشکار است. زیرا نسبت این سخن به پیامبر ﷺ معقول نیست و ما می‌دانیم که امت پیامبر ﷺ بعد از عثمان، با تمام اختلاف عناصر و لغات، توان قرائت قرآن بر حرف واحد را داشتند. پس چطور بر آنها طاقت فرسا بود که قرآن را در زمان پیامبر ﷺ بر یک حرف بخوانند؛ در حالی که امت پیامبر ﷺ در بین اعراب فصیح بودند (طبری، ۱۴۰۸: ۱۸۲).

نخستین کسی که حدیث سبعة را به پیامبر نسبت داد

نظر احرف سبعة از اجتهادات عمر در برابر نص قرآن بود. وی در برابر اعتراض به احکام

جدید، و مخالفت رأی او با رأی پیامبر ﷺ می‌گفت: «أنا زمیل محمد (طبری، ۱۴۱۳: ۲۹۱/۳)؛ یعنی من هم ردیف محمد هستم. مقصود از زمیل محمد، با توجه به ساختار لغت، یعنی هم سان و کسی که در ردیف پیامبر ﷺ است. زیرا زمیل در لغت به یک طرف بار شتری می‌گویند که هم‌سان طرف دیگر باشد. او معتقد به قرائت واحدی برای قرآن نبود. لذا دامنه اختلاف قرائت در دوران او رو به افزایش گذاشت.

وی می‌گفت، پیامبر ﷺ برای او گفته است که قرآن همه‌اش صواب است؛ مادامی که آیه رحمت به عذاب و آیه عذاب به رحمت تبدیل نشود (طبری، ۱۴۰۸: ۳۷/۱). او در جایی دیگر می‌گوید: «كلها شافٍ كافٍ (همان: ۱۷)؛ قرآن تمامش کافی و شافی است.» لذا در زمان عمر زمینه تساهل در نص قرآن از طرف او فراهم شد و اختلاف قرائت رواج و گسترش یافت که خود مشکل مهمی برای مردم شد عمر بر اساس اعتقاد خویش یعنی تسامح در نص قرآن حدیث سبعة احرف را به پیامبر ﷺ نسبت داد، تند خوبی عمر نقش مهمی را در اقناع مردم در فکر و رأی‌های او از جمله در نسبت دادن سبعة احرف به پیامبر ﷺ داشت. زیرا او از جهت شخصیتی، تندمزاج و افراطی بود. عمر در مورد قرائت قرآن پای‌بند نبود (ر.ک: متقی هندی، ۱۴۰۵: ۵۹۱/۲؛ هیشمی، همان: ۱۵۴/۷...). در این مجال به اختصار به یک مورد از آنها اشاره می‌کند.

۱. سوره حمد: صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ.

عمر آیه شریفه حمد را با تغییراتی، چنین قرائت می‌نموده: «سراط من أنعمت علیهم» که در آن صاد به سین تبدیل شده و کلمه الذین حذف شده و به جای آن کلمه من آمده است (سیوطی، بی تا: ۱۵/۱؛ طبری، ۱۴۰۸: ۶۷/۱). در کنز العمال آمده است که عمر چنین قرائت می‌نمود. «سراط من أنعمت علیهم» (متقی هندی، همان: ۵۹۳/۲).

جمع‌آوری قرآن بر کدام حرف بود؟

از جمله مباحث مطرح در جمع‌آوری قرآن این است که اگر قرآن - بر اساس آنچه گفته شده - بر هفت حرف نازل شده باشد، آیا جمع‌آوری قرآن توسط عثمان بر کدام حرف بوده است؟ از

جمله ابهام‌هایی که دامنگیر دانشمندان اهل سنت شده، همین موضوع است که رابطه مصحف عثمان با احرف سبعة در چیست؟ و چگونه مصحف عثمان جمع‌آوری شد؟ لذا برای آنها معرکه آرا شده و هر کدام دیدگاهی را بیان داشته‌اند. جمعی که برداشتشان از روایت سبعة احرف، هفت معنا و هفت بطن بوده است، پاسخ داده‌اند که قرآن عثمان مشتمل بر هفت حرف بوده و هست. ولی آنان که معتقد به هفت لغت یا لهجه یا قرائت یا کلمات مترادف و... باشند، چه پاسخی در مورد قرآن کنونی که منطبق بر قرآن عثمانی است، دارند؟ آیا بر اساس یک لهجه و یک قرائت و یک حرف است، یا بیشتر؟ اگر بر اساس یک لهجه و یک قرائت و یک حرف است، بقیه حروف چه شده‌اند؟

منزلت سبعة احرف نزد علمای شیعه

در بحث‌های پیشین، حدیث سبعة احرف و جایگاه آن نزد علمای اهل سنت، و دیدگاه‌های آنان مورد نقد و بررسی واقع شد. هم‌چنین روشن گشت که ادعای تواتر روایت سبعة احرف نزد اهل سنت، نه تنها قابل اثبات نیست، بلکه روایاتی که در مورد سبعة احرف در جوامع حدیثی اهل سنت آمده، ضعف سندی و به ویژه ضعف دلالت داشته، ناسازگاری‌هایی در آنها به چشم می‌خورد که از جهت عقلی قابل قبول نبود. ضمن این که نه تنها دلیلی روشن و قطعی بر نسبت آن به پیامبر ﷺ نبود، بلکه در فرض روایت آن، هیچ بیانی از پیامبر ﷺ در تبیین آن وجود نداشت. لذا دانشمندان اهل سنت در معنای آن دچار ابهام و تحیر شده و برخی در فهم آن اظهار عجز نموده‌اند. از طرفی در روایات امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام، نزول قرآن بر حرف واحد گزارش شده است. لذا از نظر علمای شیعه و به دور از هرگونه جانبداری، حدیث سبعة احرف، مورد بررسی واقع شد.

با بررسی و استقصای کامل در کتب حدیثی شیعه، می‌توان گفت روایت سبعة احرف در کتب اربعه شیعه، که از با سابقه‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیثی شیعه است - روایت و ثبت نشده است.

نخستین جامع حدیثی شیعه که آن را بیان داشته، کتاب بحار الانوار از مرحوم محمدباقر مجلسی است و سپس وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل از بحار الانوار، آن را نقل نموده‌اند. از بررسی مصادر بحار الانوار روشن شد که مرحوم مجلسی از خصال مرحوم صدوق و از بصائر الدرجات حسن بن صفار و از رساله نعمانی، روایاتی را ذکر می‌کند که البته هیچ‌یک از آنها از جوامع حدیثی به شمار نیامده‌اند، بلکه کتاب‌هایی هستند که با هدف خاصی، برخی از احادیث را هم نقل نموده‌اند.

نتیجه

مناع القطان حدیث سبعة احرف را بر مبنی خودش حدیث متواتر و عدد هفت را معنی حقیقی می‌داند و در بیان مراد سبعة احرف شش آراء از علمای اهل سنت ذکر نموده است. اختلاف لهجه، هفت لغات عرب، انواع سبعة، وجوه سبعة، دلالت بر کثرت، قراءات سبعة است. ولی ایشان از این شش آراء، پنج رایی را مورد مناقشه قرار داده و نظر اول که مرادش اختلاف لهجه است، را قبول کرده و با روش خود استدلال کرده است.

اما دکتر رضا مودب دیدگاه‌های اهل سنت را مورد نقد و بررسی قرار داده است. در بیان مناقشه واضح کرده که ادعای تواتر روایت سبعة احرف نزد اهل سنت، نه تنها قابل اثبات نیست، بلکه روایاتی که در مورد سبعة احرف در جوامع حدیثی اهل سنت آمده، ضعف سندی و به ویژه ضعف دلالت داشته و از جهت محتوایی دارای تناقض می‌باشد، چون قرآن در زمان پیامبر کتابت شده و تعبیر کتاب در سخن پیامبر در حدیث ثقلین آمده است و در ضمن این که نه تنها دلیل روشن و قطعی بر نسبت آن به پیامبر ﷺ نیست، بلکه در فرض روایت آن، هیچ بیانی از پیامبر ﷺ در تبیین آن وجود نداشت. لذا دانشمندان اهل سنت در معنای آن دچار ابهام و تحیر شده و برخی در فهم آن اظهار عجز نموده‌اند.

علاوه بر آن روایات زیادی بر نفی حدیث سبعة احرف وجود دارد که حدیث مذکور را مخدوش می‌سازد. پس این حدیث در تمام طبقات حتی در طبقه صحابه قابل اثبات نیست.

بررسی تطبیقی نزول قرآن در احرف سبعة بین مناع القطان و رضا مودب □ ۱۰۹

علمای شیعه معتقدند روایت سبعة احرف، نه تنها متواتر نیست، بلکه در رتبه استفاضه هم قرار ندارد و در نزد برخی، خبر واحد شمرده شده و در نزد برخی از دانشمندان شیعه، در اصل صدور آن از پیامبر ﷺ تردیده شده است.

بنابراین روایت سبعة احرف متواتر نیست و توهم تواتر این روایت در نزد اهل سنت، آنان را از بررسی سندی آن باز داشته است. و از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پیرامون نزول قرآن، مبنی بر اینکه قرآن بر حرف واحد نازل شده و این دو روایت صحیحیه هستند و لذا دارای ارزش و اعتبار می‌باشند و رجال سند در روایت امام صادق علیه السلام کاملاً مورد اعتماد است. بنابراین؛ روایت، گرچه خبر واحدند، اما در حجیت آنها تردیدی نیست. لذا علمای شیعه، برای آن روایت، اعتبار خاصی قائل شده و آنها را صحیحیه دانسته‌اند. قرآن بر حرف واحد و دارای نص واحدی است و سخن سبعة احرف در مورد الفاظ قرآن، سخنی بیهوده و بی‌اساس است. در نتیجه حدیث سبعة احرف دروغ و جعلی است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ١٣٨٣ ش
ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، مطبعة مصطفى محمد، قاهره، بی تا.
ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل، دار الفكر، بیروت، بی تا.
ابن خلکان، وفيات الأعیان، تحقیق: إحسان عباس، دارالثقافة بیروت.
ابن ماجه، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثامنة، انوار الهدی، ١٤٠١ ق.
ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثامنة، انوار الهدی، ١٤٠١ ق.
ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، (تفسیر طبری)، دار الفكر، بیروت ١٤٠٨ ق.
ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمن، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالقرآن العزیز، دار صادر بیروت ١٣٩٥ ق.
ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، دار الفكر، بیروت، بی تا.
ابویعلو، احمد بن علی دن مثنی تمیمی موصلی، وی در دو مسند، صغیر و کبیر داسته متوفی ٣٠٧ در کتاب الرسالة المستدرقة
ابی داود، سنن ابی داود، دار احیاء السنة النبویه، بیروت، بی تا.
حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسة الرسالة، بیروت ١٤٠٥ ق.
زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره ١٣٦٢ ق.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، من منشورات الشریف رضی، بی تا
طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت ١٤٠٨ ق.
علی بن ابی بکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الکتب العلمیه، بیروت ١٤٠٨ ق.

بررسی تطبیقی نزول قرآن در احرف سبعة بین مناع القطان ورضا مودب □ ۱۱۱

القاسمی، محمد جمال‌الدین، التفسیر القاسمی (محاسن التأویل)، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی.
القفطی، محمد أبو‌الفضل، أنباء الرواة علی انباء النحاة، تعقی: دار الفکر ومؤسسة الثقافة.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول و الفروع، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دار الکتب
الاسلامیة، تهران ۱۳۸۸ق.

محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دار احیاء السنة النبویة، بیروت، بی‌تا.

محمد بن مسلم، صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۷۴ق.

محمود ابوریة، اضواء علی السنة المحمدیة، مؤسسة الاعلمی، بیروت، بی‌تا

مناع القطان، نزول القرآن علی سبعة احرف، مكتبة وهبة، القاهرة، ۱۴۱۱هـ.

مودب، سید رضا، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸

نسائی، سنن نسائی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

